

محمد بن سنان و نقش او در انتقال حدیث زیدیه به امامیه

گیتی محمدبیگی^۱؛ علیرضا ابطیحی فروشانی^۲؛ محمدعلی چلونگر^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۰

چکیده

در مبحث تاریخ حدیث، راویان حدیث جایگاه مهمی دارند. نخستین احادیث که با عنوان «کتاب»، «اصل» یا «نسخه» یاد شده است، پس از سده دوم هـ توسط طبقه و افراد خاصی دست به دست و نقل شده است. یکی از مهم ترین راویان ومحدثان امامی که حلقه اتصال منابع و احادیث سده دوم و سوم بود، محمدبن سنان(د. ۲۲۰ق) است. اینکه محمدبن سنان از نظر وثاقت یا تضعیف میان محدثان امامی چه جایگاهی دارد؟ نقش او در انتقال روایات زیدی به امامیه چگونه بوده است؟ روایات ذکر شده از سوی وی تا چه حدی در امامیه نفوذ دارد؟ موضوع این مقاله است که تلاش می گردد به روش تاریخی و شیوه توصیفی- تحلیلی باتکیه بر منابع موجود بررسی گردد. علی رغم، آنکه محمدبن سنان را به دلیل همنشینی با افرادی چون مفضل بن عمر و نقل روایات او، فردی عالی دانسته اند و تضعیف وی نزد محدثان و عدم پذیرش روایات او، کتاب ها و روایات نقل شده از او رواج یافت که روایات دو محدث زیدی صاحب نام، ابوالجارود(ح ۱۵۰ق) و طلحه بن زید(ح ۱۵۰ق) گزارش شده است. به نظر می رسد محمد بن سنان نقش مهمی در انتقال احادیث زیدی به امامی ایفا کرده است.

کلمات کلیدی: محمد بن سنان، محدثان امامی، مشابه زیدی، زیدیه.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد،

ایران. mohamadbeigi.g@gmail.com

^۲ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) abtahi1342@yahoo.com

^۳ استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان. m.chelongar@yahoo.com

مقدمه

در تاریخ اسلام و در بین مسلمین من جمله شیعیان مبحث احادیث و نحوه انتقال آن و دقت در متن و زنجیره انتقال آن از مسایل بسیار مهم و بحث برانگیز بوده است اهل سنت با حساسیت به ضبط و نقل احادیث پیامبر به ویژه در قالب صحاح سته اقدام کرده اند شیعیان نیز علاوه بر آن در مورد چگونگی انتقال احادیث ائمه اطهار(ع) به بحث و بررسی زیادی پرداخته اند و پیدایش علم حدیث، علم روایه و علم درایه در راستای همین حساسیت بوده است. یکی از موارد مورد توجه چگونگی زنجیره انتقال احادیث از طبقات اول و از قرون اول به طبقات بعدی و قرون بعدی است. که موضوع مورد بحث این پژوهش است. دقت در طرق و اسناد احادیث راویان زیدی نشان می‌دهد که پس از سده دوم، مجموعه احادیث این راویان دست به دست شده و در سده چهارم در منابع حدیث امامی نقل و بازگو شده‌اند. پس از آن در سده پنجم فهرست نگاران امامی در منابع رجالی به طرق مختلف بر این کتابها اشاره کرده‌اند. از این قرینه نیز بر می‌آید که این کتابها پیش از این سده در میان رجالیان و محدثان امامی رواج داشته است.

بنابراین حلقه اتصال روایات زیدی در منابع امامی به سده سوم باز می‌گردد، زیرا این روایات در سده چهارم در منابع امامی وجود داشته‌اند و به احتمال قوی سده سوم زمان نقل و انتقال حدیثی بین زیدیه و امامیه بوده است. تاریخ حدیث نشان می‌دهد، نقل احادیث بیشتر از طریق مجالس حدیثی و از سوی مشایخ حدیثی صورت می‌گرفته است و امالی‌های امامی نمونه‌های در خور توجهی برای هموار کردن راه نفوذ احادیث زیدی به امامی هستند.

در میان کتب رجالی شیعه، به راویانی برخورد می‌کنیم که درباره توصیف رجالی آنها، بین علمای رجال اختلافات فراوانی وجود دارد. از جمله این راویان، محمد بن سنان است که علمای رجالی متقدم ما، اخبار کاملاً متفاوت و حتی متناقضی درباره وی داده‌اند. برخی وی را توثیق کرده‌اند و برخی دیگر وی را به شدت تضعیف کرده‌اند.

از این راوی، با نام‌های محمد بن سنان و ابن سنان، در کتب حدیثی شیعه فراوان یاد شده و در کتب اربعه حدیثی، عنوان محمد بن سنان در اسناد ۷۹۷ حدیث وجود دارد (خویی، بی تا، ۱۷ / ۱۴۸). از این رو، لازم است که توصیف رجالی وی مشخص شود.

شایان توجه است که در کتب رجال، دو محمد بن سنان وجود دارند که به خاطر اختلاف نسبت و جد، دو نفر به حساب آمده‌اند: یکی محمد بن حسن بن سنان زاهری - که مورد بحث ماست - و

دیگری محمد بن سنان بن ظریف هاشمی که با توجه به سخن شیخ طوسی و کسّی که گفته‌اند: ... ابن سنان و لیس بعبدالله، احتمال دارد که برادر عبد الله بن سنان باشد که از اصحاب امام صادق(ع) بوده است. البته برخی آن دو اسم را یکی حساب کرده و گفته‌اند که ممکن است ظریف جدّ نزدیک و زاهر از اجداد دور او باشد. (خادم پیر، ۱۳۸۵، ۶۷)

به هر حال، این اشتراک، به اعتبار روایت خللی وارد نمی‌کند؛ چرا که وقتی نام محمد بن سنان می‌آید، به سوی محمد بن سنان زاهری به خاطر مشهور بودنش، انصراف پیدا می‌کند و اختصار در شرح حال محمد بن سنان هاشمی، نشانه ناشناخته بودن اوست. (خادم پیر، ۱۳۸۵، ۶۸) بنا بر این، موضوع بحث ما، محمد بن سنان زاهری خواهد بود.

پیشینه ی تحقیق

در خصوص محمد بن سنان پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است و در اغلب آنها به بررسی و توصیف شخصیت او از ورای دیدگاه‌ها پرداخته‌اند. برخی از پژوهش‌ها در این خصوص عبارتند از: مقاله «محمد بن سنان از ورای دیدگاه‌ها» اثر مشترک جباری و مهدوی (۱۳۹۱) به بحث دربارهٔ احادیث روایت شده از سوی محمد بن سنان پرداخته است، از آن جایی که ۹۶۹ روایت از محمد بن سنان در کتب اربعه نقل شده است وی را در زمره راویان پر حدیث شیعه قرار می‌دهد. در این نوشتار، کوشش شده با دیدی واقع بینانه به ادله و شواهد موجود درباره شخصیت محمد بن سنان نگریسته شود تا ضمن آشکار شدن حقیقت و توثیق او، روایاتش از گردونه ضعف خارج و قابل استناد گردد.

«بررسی توصیف رجالی محمد بن سنان» از علی خادم پیر(۱۳۸۵) به بررسی توثیق یا تضعیف محمد بن سنان، بین علمای رجال پرداخته، که عده‌ای وی را بنا به اتهاماتی چون غلو، وجاده‌ای بودن روایاتش، کذب مشهور شمرده شدن توسط فضل بن شاذان و ...، به شدت تضعیف کرده‌اند و عده‌ای نیز وی را توثیق کرده‌اند و از اصحاب سه ائمه به حساب آورده‌اند. علمای متأخر نیز با بررسی اقوال علمای رجال درباره وی، گاه قائل به توقّف شده‌اند و گاه به دلیل تضعیف نجاشی و شیخ طوسی، به تضعیف وی حکم داده‌اند، خادم پیر با بررسی اقوال علمای رجال، ضمن ردّ تضعیف محمد بن سنان، وی را توثیق کرده است. در این مقاله نقش محمد بن سنان در انتقال روایات بررسی نشده است.

«وثاقت محمدبن سنان در ترازوی نقد و بررسی» اثر ایزدی فرد و حسینی نژاد (۱۳۹۶) پس از تحلیل و بررسی عوامل تضعیف و وثوق محمد بن سنان از طریق روایات، با بررسی روایاتی که درباره تضعیف محمد بن سنان وارد شده، ثابت می کند که هیچ یک از آنان صلاحیت اثبات تضعیف او را ندارند، بلکه تمامی آنها قابل توجیه می باشند و حتی می توان مدح و ثنا و رفیع الشان بودن وی را استنتاج نمود. از آنجا که موانع توثیق محمد بن سنان مفقود می باشد، با توجه به اینکه مقتضی توثیق او، یعنی روایات دال بر بودن محمد بن سنان از راویان ثقه و از شیعیان خاص معصوم (ع) در این هنگام وجود دارد، در مجموع، می توان وی را از راویان امامی ثقه دانست.

«محمد بن سنان کاوشی در وثاقت و تضعیف» از حمید ستوده (۱۳۹۰)، این مقاله در پی آن است که با واکاوی پرونده رجالی محمد بن سنان، به داوری پرداخته و وثاقت وی را اثبات کند. ابتدا دورنمای جامعی از زندگی و آثار وی ارائه و سپس با طرح و تبیین و نقد و بررسی ادله مخالفان، قرائن و شواهد توثیق می پردازد.

«بازکاوی اعتبار رجالی محمدبن سنان» نویسندگان این مقاله مرتضی عرب و حسن نقی زاده (۱۳۹۰) به نقل و بررسی گفتار عالمان رجالی در رابطه با اعتبار او میان علمای امامیه پرداخته و کوشیده ست تا از طریق بررسی احادیث مستند به راوی مذکور، شناخت دقیق تری از احوال وی به دست دهد. مقاله، در پایان با توجه به جمع بندی دیدگاه ها و نیز ماهیت روایت های محمدبن سنان به وثاقت وی را با تمایل او به غلو، در برهه ای از حیاتش، نوع روایت های او و نیز، سوء استفاده غالیان از این راوی، مرتبط می داند.

وجه تمایز این تحقیق با موارد بیان شده در این است که هدف این پژوهش بیان موارد برجسته واسطه گری محمد بن سنان در نقل روایات زیدی به منابع روایی و مجالس حدیثی امامیه است، که سرانجام با کتاب احمد بن محمد بن خالد برقی این روایات به گونه ای رایج و منتشر شد که دیگر آن ها را بخشی از حدیث امامیه می شمردند.

محمد بن سنان زاهری همدانی (۲۲۰ق)

محمد بن سنان اهل کوفه و از اصحاب سه امام هفتم، هشتم و نهم برشمرده اند. (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۴، ۳۶۴، ۳۷۷) آنچه مسلم است وی از شیعیان امامی بوده و تمایلی به اهل سنت یا شرکت در مجالس حدیث آنان نداشته است. محمد بن سنان از ۱۵۰ نفر روایت نقل کرده است و از وی، ۷۰ نفر

که در میان آن‌ها چهار نفر از اصحاب اجماع و ۲۷ نفر از راویان جلیل القدر حضور دارند، روایت نقل می‌کنند. (درایة النور) تعداد کتاب‌های او را همانند کتب حسین بن سعید به علاوه کتاب «النوادر» برشمرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۶). کتاب‌های «المکاسب»، «الحج»، «الصید» و «الذبائح»، «الشراء» و «البيع»، «الوصیة»، «الطرائف» و «الأظله» از تصنیفات اوست. (نجاشی، ۱۳۷۴: ۳۲۸)

بیان علمای رجال و حدیث

از آنجایی که از محمد بن سنان، اسناد ۷۹۷ حدیث وجود دارد. (خویی، بی تا: ۱۷ / ۱۴۸) از این رو، لازم است که توصیف رجالی وی مشخص شود. هر چهار دانشمند رجالی امامی (ابن غضائری، نجاشی، طوسی، ابن داوود) محمد بن سنان را تضعیف کرده‌اند. ابن غضائری وی را غالی و حدیث ساز وصف کرده است. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۲؛ خویی، بی تا: ۱۷ / ۱۶۸) نجاشی به غالی بودن محمد بن سنان اشاره ندارد؛ اما وی را به شدت ضعیف و غیر قابل اعتماد می‌داند؛ به گونه‌ای که معتقد است به تفردات وی نمی‌توان عمل کرد. (نجاشی، ۱۳۷۴: ۲۱۴) نجاشی در کتاب «الرجال»، به نقل از ابو العباس احمد بن محمد بن سعید، درباره محمد بن سنان چنین آورده است: «إنه روی عن الرضا (ع) ... و له مسائل عنه معروفة و هو رجل ضعيف جداً لا يعول عليه و لا يلتفت إلى ما تفرد به» (نجاشی، ۱۳۷۴: ۳۲۸)

طوسی در هر دو کتاب رجالی خود محد بن سنان را ضعیف دانسته و بر آن است که در کتاب‌های وی، اختلاط و غلو راه یافته است. (طوسی، ۱۴۱۵: ۲۱۹) شیخ طوسی نیز در کتاب «الرجال»، از وی با تعبیر ضعیف (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۴) و در کتاب «الفهرست»، با تعبیر و قد طعن علیه و ضعیف یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۲۲: ۲۱۹) مفید نیز در دو نگاشته جداگانه خود چند روایت را به سبب سستی ابن سنان رد کرده و از اجماع «عصابه» بر ضعف و غلو این راوی سخن گفته است. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰) شیخ مفید، در الرسالة الهلالية، بعد از نقل حدیث «شهر رمضان ثلاثون يوماً لا ينقص أبداً»، می‌گوید: «و هذا حدیث شأد نادر غیر معتمد علیه، فی طریقته محمد بن سنان، و هو مطعون فیہ لا تختلف العصابة فی تهمته و ضعفه ...» (بهبهانی، ۱۳۳۹: ۳ / ۲۴۹-۲۷۷).

ابن داوود، در کتاب «الرجال» خود، بعد از آوردن اقوال نجاشی و شیخ طوسی مبنی بر ضعف و طعن محمد بن سنان، از زبان خودوی نقل کرده که قبل از مرگش گفته است: «لاترووا عنی مما حدثت

شیئاً، فإنما هی کتب اشتریتها من السوق!» و سپس می‌نویسد: «الغالب علی حدیثه الفساد». (ابن داوود، ۱۳۹۹: ۲۷۳)

اگر سخنان و گزارش‌های این رجال را ملاک قرار دهیم، وضعیت رجالی و اعتقادی محمد بن سنان بی هیچ اختلافی ضعیف است؛ اما کشی روایات بسیاری دربارهٔ محمد بن سنان نقل کرده که هم شامل مدح او و هم در ذم اوست، آورده است که دو تن از محدثان امامی نزدیک به سال‌های زیست محمد بن سنان، فضل بن شاذان (۲۶۰ق) و ایوب بن نوح (۲۵۵ق) که احتمالاً او را دیده‌اند، نقل و اجازه بازگویی روایات وی را به شاگردان خود نداده، خود نیز از آن پرهیز داشتند. (کشی، ۱۳۴۸: ۷۹۶ / ۲) کشی در «رجال» خود، روایاتی نقل کرده است که در آنها قرائنی حاکی از توثیق یا مدح محمد بن سنان وجود دارد. در حدیثی، از محمد بن سنان نقل شده است که امام کاظم (به وی می‌فرماید: "... قد وجدتك فی صحیفه امیر المؤمنین(ع). أما أنك فی شیعتنا أبین من البرق فی اللیلة الظلماء... یا محمد! إن المفضل أنسی و مستراحی، و أنت أنسهما و مستراحهما، حرام علی النار أن تمسک أبداً یعنی أبا الحسن و أبا جعفر(ع)». نام تو را در صحیفه امیر المؤمنین یافتیم. بودن تو در زمره شیعیان ما، آشکارتر از برق در شب تاریک است. ای محمد! مفضل، مایه انس و آرامش من بود و تو مایه انس و آرامش آن دو امام رضا و امام جواد (ع) هستی (طوسی، ۱۴۰۴: ۷۹۵ / ۲). در حدیثی دیگر، از محمد بن سنان نقل شده که امام جواد (ع) به وی گفته است: «... یا محمد! أنت عبدٌ قد أخلصت لله . إني ناجيت الله فيك، فأبى إلا أن يضل بك كثيراً و يهدى بك كثيراً» (طوسی، ۱۴۰۴: ۷۹۵ / ۲). ای محمد! تو بنده‌ای هستی که خود را برای خدا خالص کرده‌ای، من درباره تو با خدا نجوا کردم. خدا فقط چنین خواسته که با تو، عده‌ای را گمراه و عده‌ای را هدایت کند. با توجه به روایات، محمد بن سنان از راویان ثقه و از شیعیان خاص معصوم(ع) بوده است. (ایزدی فرد، ۱۳۹۶: ۱۵۳) با تتبع در اخبار، معلوم می‌شود که محمد بن سنان، جایگاهی بزرگ و شأنی والا داشته است؛ چرا که چهار تن از ائمه(ع) را ملاقات کرده و از آنها روایت نقل کرده و حتی وکالت برخی از آنان را بر عهده داشته است. (خادم پیر، ۱۳۸۵: ۷۷)

کشی بعد از گزارش جرح و نقدهای فضل بن شاذان دربارهٔ محمد بن سنان، شماری از محدثان و بزرگان را نام می‌برد(کشی، ۱۳۴۸: ۷۹۶ / ۲). شاید کشی نام بزرگان را از آن روی آورده تا یاد آور شود که به رغم این هشدارها، همچنان بزرگان به روایات محمد بن سنان اعتماد می‌کرده‌اند؛ از این رو در

این حیطة داوری نجاشی درست‌تر می‌نماید که به متفردات محمد بن سنان نباید عمل کرد. برخی از علمای متقدم، مانند محقق حلی، علامه حلی و شهید ثانی نیز محمد بن سنان را تضعیف کرده‌اند. علامه حلی، از تضعیف وی برگشته (در خلاصه) و حکم به صحیح بودن وی داده است (در المختلف). علامه مجلسی و سید نعمه الله جزایری نیز وی را از یاران خاص ائمه دانسته‌اند و سید بن طاووس، از کسانی که وی را ذم می‌کنند، اظهار تعجب کرده است (خاقانی، ۱۹۱۲: ۱۶۸-۱۵۷). برخی از علمای متأخر نیز پس از بررسی اقوال علمای متقدم، رأی به توثیق محمد بن سنان داده‌اند. البته خوبی در بررسی‌های خود، قائل به مدح محمد بن سنان شده؛ ولی بنا به تضعیف نجاشی و شیخ طوسی، توثیق وی را معتبر نمی‌داند. خوبی، بعد از ذکر روایات و اقوال علمای رجال درباره محمد بن سنان، می‌گوید: آنچه از روایات به دست می‌آید، این است که محمد بن سنان، از موالی ائمه بوده و ممدوح است، و معصوم از وی اعلام رضایت کرده و به همین دلیل، شیخ طوسی وی را ممدوح شمرده است. اما در ادامه می‌نویسد: اگر نه این بود که این عقده، نجاشی، شیخ طوسی و شیخ مفید و ابن غضائری وی را تضعیف کرده‌اند، عمل به روایات وی مشکلی نداشت؛ اما تضعیف ابن عالمان، ما را از اعتماد به وی منع می‌کند و به همین دلیل، اعتمادی به توثیق شیخ مفید نیست. (خوبی، بی تا: ۱۶۹ / ۱۷۰ - ۱۷۰) یکی از علمایی که قائل به توثیق محمد بن سنان شده‌اند، شیخ حرّ عاملی است که درباره وی می‌گوید: ظاهراً نجاشی و شیخ طوسی، با توجه به نظر ابن عقده، وی را تضعیف کرده‌اند. (خوبی، بی تا: ۱۷۱ / ۱۷۱) دیگر اینکه، این تضعیف نجاشی، با توثیق و اعتماد دیگر علمای بزرگ، منافات دارد. (خادم پیر، ۱۳۸۵: ۷۷)

بحث دیگر، این است که محمد بن سنان، «خود را تنها در «معضلات» صاحب نظر دانسته و نه در حرام و حلال. ... «معضلات» به معنای «مشکلات» است و شکی نیست که «آن حدیث أهل البت صعب مستصعب». بنابر این، از این قول نیز تضعیف محمد بن سنان ثابت نمی‌شود.» (خادم پیر، ۱۳۸۵: ۷۷) با توجه به اهمیت احادیث فقهی، تأثیر آن و اعتماد اغلب علما و محدثین به این احادیث فقهی نقل شده از محمد بن سنان وثاقت او ارجح بنظر می‌رسد.

پیوند با غالیان

به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه سبب ضعف محمد بن سنان شده نزدیکی و پیوند وی با غلات و راویان غالی است. او به دفاع از کسانی چون مفضل بن عمر برخاسته که به حسب ظاهر از غالیان

برجسته‌اند. (خویی، بی تا: ۳۳۰، ۳۲۸/۱۹) محمد بن سنان روایتی را نقل می‌کند، که طبق آن اهل کوفه نامه‌ای به امام صادق (ع) نوشته، از مفضل بن عمر بدگویی کردند. امام در پاسخ، محدثان برجسته امامی چون زراره، محمد بن مسلم، عبدالله بکیر و ابوبصیر را با نامه‌ای خطاب به مفضل به کوفه می‌فرستد و طلب چند هزار درهم می‌کند. در این ماجرا، بر خلاف انتظار نامه آورندگان، مفضل پیروز و سربلند می‌شود. (کشی، ۱۳۴۸: ۲/ ۶۱۹) محمد بن سنان در روایتی دیگر نیز اتهامات وارده بر مفضل را توجیه، و از او دفاع می‌کند. (کشی، ۱۳۴۸: ۲/ ۷۹۷، ۶۱۲) همچنین او راوی کتاب‌های مفضل است، به نظر می‌رسد در مواردی نیز به واسطه همو کتاب‌هایی را از محدثان و نویسندگان قرن دوم نقل کرده و گاه نامش را انداخته است.

همراهی و ارتباط محمد بن سنان با غلات چنان هویدا بوده که کشی ضمن نقل روایتی که راویان سند آن همگی از غالیان هستند، یک به یک درباره اینکه اینان از ارکان غالیان‌اند سخن می‌گوید تا به محمد بن سنان می‌رسد و وی را نیز از این گروه می‌داند. (کشی، ۱۳۴۸: ۲/ ۶۱۴) در دو روایت جداگانه از صفوان بن یحیی (۲۱۰ ق) نقل شده است: «محمد بن سنان از غالیان و باورمندان به «طیاره» بود و ما با او پیوسته سخن گفتیم [تا هدایت شد]» (کشی، ۲/ ۷۹۶). در نقل دیگر از صفوان آمده است که محمد بن سنان چند بار قصد کرد به غلات بپیوندد؛ اما هر بار صفوان او را منصرف کرد. (کشی، ۱۳۴۸: ۲/ ۷۹۶)

از سوی دیگر روایاتی که حاکی از قرب و منزلت محمد بن سنان نزد سه امام کاظم، جواد و رضا (ع) است، همگی به نقل خود محمد بن سنان هستند. محمد بن سنان نقل می‌کند که پیش از سفر امام کاظم (ع) به عراق نزد او رفته و ایشان امامت پسرش علی الرضا (ع) را به او خبر داده است. در ادامه روایت پس از آن که محمد بن سنان به حجیت این امام شهادت می‌دهد، امام کاظم پیش بینی می‌کند که وی دوران امامت محمد نوه او را نیز درک خواهد کرد و محمد بن سنان را از شیعیانی می‌خواند که نامش در صحیفه امام علی (ع) آمده است. (کشی، ۱۳۴۸: ۲/ ۷۹۷ - ۷۹۶) این روایت کاملاً در جهت مدح و ثنای محمد بن سنان ساخته شده است؛ چنان که در پایان امام کاظم (ع) باز تأکید می‌کند که محمد بن سنان همدم و مایه آرامش خاطر او و دو امام بعدی است و بر آتش حرام است که به محمد بن سنان آسیبی برساند. (کشی، ۱۳۴۸: ۲/ ۷۹۷)

به نظر می‌رسد بزرگداشت و محور بودن محمد بن سنان نزد غلات یا برخی از آنان همچنان ادامه داشته باشد؛ زیرا در برخی متون این گروه که احتمالاً بیشتر با فرق باطنی اسماعیلی درآمیخته‌اند، از

وی با تکریم و احترام چشمگیری یاد می‌شود. برای نمونه در متنی از نگاشته‌های غلات که سوره شانزدهم آن «نقیبه» نام دارد « أسماء السادة النقباء» یاد می‌شود؛ یعنی افرادی که پیامبر(ص) آنها را برگزیده است. در این میان برترین آنها « سر نقیب النقباء و نجیب النجباء، سیدنا محمد بن سنان الزاهری» است. (خاقانی، ۱۹۱۲، ۴۷) با توجه به مطالب مذکور، اعتقاد به وثاقت وی قوی تر به نظر می‌آید؛ به خصوص که برخی از بزرگان نیز از او روایت نقل کرده اند. لذا دست کم، احادیثی از او که عاری از غلو است قابلیت پذیرش و اعتماد را خواهد داشت.

جایگاه بلند محمد بن سنان در اخبار

با تتبع در اخبار، معلوم می‌شود که محمد بن سنان، جایگاهی بزرگ و شأنی والا داشته است؛ چرا که چهار تن از ائمه (ع) را ملاقات کرده و از آنها روایت نقل کرده و حتی وکالت برخی از آنان را برعهده داشته است. نیز کثرت روایات او در اصول و فروع، و موافقت این روایات با اخبار سایر بزرگان شیعه، سلامت وی را از غلو و کذب، آشکار می‌سازد. روایت کردن وی از امام رضا و امام جواد (ع) سلامت مذهب وی و واقفی نبودن او را ثابت می‌کند؛ چراکه در آن زمان، بسیاری از شیعیان، گرفتار این فتنه بودند. کسانی مانند علی بن ابی حمزه بطائنی و پیروانش، بر مذهب واقفه ماندند و کسانی مانند احمد بن محمد بن ابی نصر، جمیل بن درّاج، حماد بن عیسی، رفاعه بن موسی، عبد الرحمان بن حجاج، یونس بن یعقوب، ابتدا به این مذهب گراییدند، ولی بعدها بر اشتباه خود آگاه گشتند. (طوسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۹۵)

شیخ مفید در کتاب ارشاد، وی را از یاران بسیار نزدیک امام کاظم(ع) و جزء فقهای شیعه دانسته است. (ستوده، ۱۳۹۰: ۲۹۲) شیخ طوسی نیز در کتاب الغیبه، وی را جزو وکلای ممدوحین و استوانه های ثابت قدم در راه اهل بیت(ع) دانسته که در راه آنان نیز، از دنیا رفته است. (ستوده، ۱۳۹۰: ۲۹۳)

نقل روایات محمد بن سنان توسط محدثان بزرگ

کتاب‌های حدیثی، مشحون از روایاتی است که بزرگان شیعه از جمله کوفی و قمی، از محمد بن سنان نقل نموده‌اند. مرحوم کلینی در «الاصول فی الکافی»، تعداد بسیاری از این روایات را آورده است. (خادم پیر، ۱۳۸۵: ۷۷) مرحوم شیخ صدوق، در کتاب «من لا یحضره الفقیه» - که به گفته خودش، لا یورد فیه إلا ما هو حجّه بینه و بین ربّه - از محمد بن سنان روایت نقل نموده و در

مشيخه این کتاب آورده است: «إن ما يرويه عنه، فقد رواه عن أبيه عن علي بن إبراهيم عن أبيه عنه.» (صدوق، ۱۴۰۴: ۲۹۱/۱) ابو غالب زراری، در نامه خود به نوه‌اش احمد بن عبد الله بن احمد، نوشته است: از جمله کتاب‌هایی که به خواندن آنها وصیت می‌کنم و بر حفظ آن تأکید دارم و روایت کردن مطالب آن را اجازه می‌دهم، دو کتاب الطرائف و النوادر و دیگر کتب محمد بن سنان است. (خاقانی، ۱۹۱۲: ۱۵۷-۱۶۸).

تعداد بسیاری از علما و فقهای بزرگ و مورد اعتماد شیعه، از محمد بن سنان روایاتی نقل کرده‌اند و این، خود حاکی از اعتماد آنان به وی است؛ از محمد بن سنان در کتب اربعه، نزدیک به ۱۰۰۰ روایت نقل شده است که در ۸۲۲ عدد از آنها نام محمد بن سنان تصریح شده و در بقیه نیز عنوان ابن سنان آمده است. با مراجعه به اسنادی که او در طریق آنها قرار گرفته، روشن می‌شود که وی از ۱۵۰ نفر روایت نقل می‌کند و حدود ۷۰ نفر نیز که در میان آنها گذشته از روایت کردن راویان جلیل القدری از جمله: احمد بن محمد بن عیسی، ایوب بن نوح، حسن بن سعید بن سعید، حسن بن علی بن یقطین، (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۱۰۴/۱) حسین بن سعیداهوازی، (کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۴۶۱) صفوان بن یحیی، (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۲۲/۴) عباس بن معروف، عبد الرحمان بن ابی نجران، عبد الله بن صلت، فضل بن شاذان، (کلینی، ۱۳۶۹: ۳۸۴/۵) محمد بن اسماعیل بن بزيع، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن عبد الجبار، موسی بن قاسم، یعقوب بن یزید و یونس بن عبد الرحمان (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۶۰/۲) از این زمره اند. از راویان مشهور موثق یا مقبول نیز که از وی روایت نقل کرده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن خالد، حسن بن حسین لؤلؤی، حسن بن علی بن فضل، شاذان بن خلیل، علی بن أسباط، علی بن حکم، محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن خالد برقی و محمد بن عیسی بن عبید. (خاقانی، ۱۹۱۲: ۱۵۷-۱۶۸) با نگاهی به فهرست طولانی فقهای مورد اعتماد شیعه و راویان موثق احادیث که از محمد بن سنان به نقل و روایت احادیث پرداخته‌اند، می‌توان به نقش مؤثر و پر رنگ او در میراث حدیثی شیعه امامی پی برد.

محمد بن سنان در منابع فهرست نگاری امامی، یعنی مشيخه صدوق، الفهرست طوسی و الرجال نجاشی، کتابهای چهل و پنج راوی را گزارش کرده است. این راویان بیشتر از ناقلان و اصحاب امام صادق (ع) هستند و بدین ترتیب محمد بن سنان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حلقه‌های اتصال راویان و روایات سده دوم و سوم است.

| وضعیت رجال راوی | مجهول | غالی/کذاب/ضعیف | ممدوح/ثقه | زیدیه |
|-----------------|-------|----------------|-----------|-------|
| تعداد کتاب‌ها | ۲۷ | ۹ | ۹ | ۳ |

از جدول بالا می‌توان دریافت که بیشتر این راویان، افراد ناشناخته یا مجهولی هستند که تنها به واسطه معرفی محمد بن سنان و گزارشی است که او از کتاب‌هایشان داده، شناخته شده‌اند. برای نمونه ابو خالد قماط، که ابن عقده نام او را «کنکر» ذکر کرده، یکی از این افراد است که محمد بن سنان کتاب وی را نقل کرده است. (طوسی، ۱۴۰۴: ۲۶۹) صاحب معالم درباره او گفته است که «کنکر ابو خالد کابلی» از راویان امام زین العابدین (ع) بوده که احادیث عجیب و غریبی نقل می‌کند و بسیاری از غلات خود را به او منتسب می‌دانند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۷۳) همچنین در روایتی آمده است که وی بر باور کیسانیه و قائل به امامت محمد حنفیه بوده و بعد تغییر کیش داده است. از جمله روایات معتبر به تغییر عقیده ابو خالد درباره امامت، حکایت مربوط به شهادت و حکمیت حجر الاسود است که در روایت‌های گوناگون به نحوی با ابو خالد ارتباط یافته و سرانجام منجر به تغییر رای وی در باب امام بر حق می‌شود. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۵۴) از جمله کسانی که از وی روایت کرده‌اند، جمیل بن صالح، هشام بن سالم، سدیر صیرفی، ضریس بن عبدالملک و مثنی حناط را می‌توان نام برد. (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۸۰/۶)

راویان و صاحب کتابان دیگری هم هستند که نام کامل آنها مشخص نیست و با کنیه یا نام کوچک، لقب و یا شغلشان یاد شده‌اند و از این رو قابل شناسایی نیستند. ابوبدر (نجاشی، ۴۵۴)، ابونمیر (صدوق، ۱۴۰۴: ۴۳۴/۴)، نعمان رازی (همان، ۴۶۲/۴)، سعید نقاش (همان، ۴۹۰/۴)، بزیع مؤذن (همان، ۴۶۳/۴)، حماد هسته فروش (همان، ۵۰۴/۴) و حارث نمد فروش (همان، ۵۰۸/۴) از این گروه هستند.

شمار غالیان و راویان ضعیف او نیز در خور توجه است؛ صالح بن عقبه، میاح مدائنی و منخل بن جمیل از این گروه هستند. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۶۹؛ نجاشی، ۱۳۷۴: ۱۲۸) همچنین ابن غضائری به غلو و باورهای افراطی مفضل بن عمر جعفی اشاره دارد. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۸۷)

محمد بن سنان و نقل کتاب های زیدیه

دو زیدی صاحب کتاب که محمد بن سنان کتاب‌های آنان را گزارش کرده، ابوالجارود (ح ۱۵۰ق) و طلحه بن زید (ح ۱۵۰ق) هستند. همچنین او گاه در سند روایات ابوالجارود، مسعده، غیاث بن ابراهیم (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۴۵) و... قرار گرفته و از آنان بی واسطه یا با واسطه نقل کرده است.

صدوق و طوسی میانجی‌گری محمد بن سنان را در نقل کتاب طلحه گزارش کرده‌اند. (صدوق، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۴۹) افزون بر آن، کلینی نیز شمار زیادی از روایات طلحه بن زید را با وساطت محمد بن سنان نقل کرده است. (فرجامی، ۱۳۹۴: ۲۲۰) روایت مستقیم محمد بن سنان از این راوی زیدی نیز به سبب فاصله دوران زیستشان بسیار بعید است. به نظر می‌رسد، او طلحه را ندیده و تنها به کتابش دست یافته است؛ زیرا در احادیثی که از غیر طریق کتاب طلحه از محمد بن سنان نقل شده، او با واسطه از طلحه گزارش می‌کند (ابن شاپور، ۱۳۹۱: ۵۶). این واسطه مفضل بن عمر جعفی است و باز هم این نظریه استوارتر می‌شود که شدت تضعیفات رجالیان و انحراف عقیدتی مفضل، سبب شده محمد بن سنان در بیشتر اسنادش نام او را بندازد (صدوق، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۳۵، ۴۱۹). مؤید این حذف آن است که طریق صدوق به کتاب طلحه کوتاه شده و مختصر می‌نماید و احتمالاً برخی راویان آن افتاده‌اند.

محمد بن سنان و ابوالجارود

صدوق کتاب یا مجموعه روایات ابوالجارود را با واسطه محمد بن سنان نقل می‌کند (صدوق، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۴۶). محمد بن خالدبرقی، صفار، کلینی و صدوق بیشتر روایات ابوالجارود را در منابع حدیثی امامی با واسطه و نقل محمد بن سنان گزارش می‌کنند (فرجامی، ۱۳۹۴: ۲۳۳). پس می‌توان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین راه ورود و نفوذ روایات ابوالجارود به منابع امامی را محمد بن سنان همدانی دانست. به نظر می‌رسد، نقش هم‌قبیله‌گی در انتقال کتاب‌ها و روایات ابوالجارود برجسته و پر رنگ است. ابوالجارود، محمد بن سنان، محمد بن بکر ارحبی، ابن عقده و علی بن حسین بن سعد، همگی از قبیله "همدان" یا زیر شاخه‌های آن بوده‌اند و در طرق و اسناد کتاب ابوالجارود و گاه روایات وی قرار دارند. اینکه قبیله همدان در کوفه از شیعیان علی (ع) بودند، احتمالاً در گرایش به حفظ میراث حدیثی ابوالجارود تأثیر گذار بوده است.

روایت مستقیم محمد بن سنان (۳۲۰ق) از ابوالجارود (۲۲۰ق) با فاصله هفتاد ساله بین تاریخ درگذشتشان، بعید می‌نماید و احتمال کمی دارد که محمد همه منقولاتش را از خود ابوالجارود اخذ کرده باشد؛ مقایسه اسناد زیدی و امامی نشان می‌دهد که این افتادگی‌ها در موارد زیادی رخ داده است. به طور مثال در اسناد امالی احمد بن عیسی، محمد بن جبلة در همه ده روایتش با واسطه محمد بن بکر از ابوالجارود نقل می‌کند؛ اما همین راوی در اسناد امامی راوی بدون واسطه ابوالجارود حضور دارد (برقی، بی تا: ۱/ ۲۶۴). احتمالاً منابعی که احادیث ابوالجارود را در اختیار مؤلفان و اساتید امامی قرار می‌داده‌اند، از دقت و ضبط کافی برخوردار نبوده‌اند.

افزون بر آن محمد بن سنان هم در روایتی با واسطه مفضل بن عمر از ابوالجارود روایت می‌کند (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۱۹). باز هم این احتمال تقویت می‌شود که او به طریق مفضل به کتاب‌ها و روایات ابوالجارود دست یافته و به سبب ضعف مشهور مفضل در همه اسنادش وی را انداخته است. از این رو این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که راوی حقیقی و انتقال دهنده کتاب ابوالجارود به محمد بن سنان، مفضل بن عمر بوده است. محمد بن سنان این عمل را درباره چند راوی زیدی از جمله طلحة بن زید هم انجام داده است.

در این صورت چگونه ممکن است که او چنین گسترده به نقل روایات ابوالجارود و پیروی و همراهی او بپردازد. شاید راویان محمد بن سنان در طول تاریخ بر روایات وی از ابوالجارود افزوده‌اند؛ به خصوص که روایانش افراد ضعیف و مشهور به کذب هستند. برقی که به نقل از ضعفا شهرت دارد و بدین سبب یک بار از قم اخراج شد (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۳۹). از کسانی است که ظاهراً واسطه گری ابوسمینه را انداخته است. او گاه با تعبیر مبهم «عده من اصحابنا» روایات ابوالجارود را از محمد بن سنان نقل می‌کند و گاهی هم به ندرت از ابوسمینه یاد می‌کند (برقی، بی تا: ۱/ ۱۰۴). شاید او چنان به احادیث و طرقی که گزارش می‌کرده اطمینان داشته که می‌کوشیده آنها را مقبول جلوه دهد و از تصریح به نام افرادی که چنین به کذب شهرت دارند، دوری می‌جسته است.

ابن غضائری در حکمی کلی روایات محمد بن بکر، راوی منابع زیدی، از ابوالجارود را بر روایات محمد بن سنان مشکوک ترجیح می‌دهد: «و أصحابنا یکرهون ما رواه محمدسنان عنه، و یعمدون ما رواه محمد بن بکر الأرجنی» (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۶۱). احتمالاً ایهامات یاد شده، اتهامات وارده به محمد بن سنان، روایتش از ابوالجارود، و نیز راویان ضعیف محمد بن سنان عواملی هستند که سبب شده‌اند ابن غضائری چنین قضاوتی درباره او داشته است. تنها طوسی در الرجال محمد بن بکر را در

شمار اصحاب امام صادق (ع) یاد کرده و درباره‌اش گفته است: «ابوعبدالله اهل کوفه است که در سن ۷۷ سالگی به سال ۱۷۱ ق در گذشته است» (طوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۸). با این وجود او بیست سال پس از ابوالجارود در گذشته است، بنابراین احتمال دیدار و اخذ روایاتش از ابوالجارود بسیار بیشتر از محمد بن سنان است. منابع زیدی درباره محمد بکر ساکت هستند و گویا حتی اطلاعات طوسی را هم درباره او ندارند؛ در نظر آنها او تنها استاد احمد بن عیسی است و تنها روایات ابوالجارود را بر وی نقل کرده است (سالم عزان، بی تا: ۳۲۶).

هر چند این احتمال نیز وجود دارد، که احمد بن عیسی کتاب ابوالجارود را به نقل محمد بن بکر یافته باشد؛ زیرا بسیار بعید می‌نماید که احمد این استاد را دیده باشد و تنها روایات ابوالجارود، و نه هیچ راوی دیگری، را از وی اخذ کرده باشد.

طبقه پس از محمد بن سنان

اگر اسناد چهل و پنج کتابی را که محمد بن سنان در فهرست های امامی گزارش کرده است. ملاک قرار دهیم، پر روایت ترین افراد و راویان محمد بن سنان شناسایی می شوند.

| راویان محمد بن سنان | برقی ها (پدر و پسر) | قمی ها (پدر و پسر) | احمد بن محمد بن عیسی اشعری | محمد بن حسین ابی خطاب | ابو سمینه | قاسم بن ربیع یحیی بن زکریا |
|---------------------|------------------------|-----------------------|----------------------------|-----------------------|-----------|----------------------------|
| تعداد کتاب ها | ۱۲ | ۱۱ | ۹ | ۷ | ۶ | ۳ |

به نظر می رسد مؤلف بودن برقی ها (احمد بن محمد و محمد بن خالد) و قمی ها (علی بن ابراهیم و ابراهیم بن هاشم) سبب شده طرق آنان به روایات، به طور خاص اسنادشان به محمد بن سنان، بیشتر حفظ و ثبت شود؛ به ویژه که کتاب هر دو گروه توسط پسرانشان منتشر شده و اکنون نیز در دسترس باقی مانده است.

سه دسته راوی نخست همه از مکتب قم هستند یا در قم زندگی می کرده اند؛ اما سه دسته راوی پایانی در کوفه اقامت داشته اند. مقایسه این دو دسته راوی نشان می دهد در سال های میانی و پایانی سده سوم (۲۵۰-۲۹۰) شیعه دوازده امامی، و به طور کلی امامیه، در قم پایگاه استوارتری داشته

است. از سوی دیگر کوفه پایگاه شیعیان بود؛ اما شیعیان عراق به ویژه کوفه، بیشتر به گرایش غیر امامی، چون فطحیه، واقفیه، و نیز زیدیه گرویده بودند.

در کتاب های رجالی آمده است، احمد بن محمد بن عیسی اشعری افرادی را که به غلو یا کذب روایات از ضعفا مشهور بودند، را از قم اخراج کرد. ابو سمینه محمد بن علی (نجاشی، ۱۳۷۴: ۳۳۲)، ابو سعید آدمی سهل بن زیاد (نجاشی، ۱۳۷۴: ۱۸۵)، و احمد بن محمد برقی (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۳۹)، از کسانی هستند که با این اتهام از قم رانده شدند؛ هر چند گفته شده احمد بن محمد بن عیسی از کرده خود درباره برقی پشیمان شد. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۳۹) بهر روی می توان چنین گفت که حساسیت نسبت به محمد بن سنان به واسطه گرایش به اهل غلو به او زیاد بوده و تردید جدی به ویژه در قم به وجود آورده بود.

واسطه برقی ها و ابن سنان

ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (د ۲۸۰ ق یا ۲۷۴ هـ) در خاندانی که پیشینه ای ممتاز در حمایت از ولایت و امامت داشتند، پرورش یافت. به گونه ای که جدش (محمد بن علی) در قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام در پی حمایت از آن انقلابی بزرگ به دست یوسف بن عمرو، والی کوفه، دستگیر و سرانجام پس از تحمل شکنجه های فراوان به شهادت رسید. در پی این حادثه عبدالرحمن، فرزند محمد بن علی، به همراه پسرش، خالد، که طفلی بیش نبود از کوفه به قم هجرت کرده (نجاشی، ۱۳۷۴: 76) و سالها بعد از آن محمد بن خالد برقی قدم به عرصه وجود نهاد.

محمد بن خالد از پیشگامان عرصه دانش و معرفت در عصر خود بوده، او در زمینه های رایج آن زمان (تفسیر علوم قرآن، تاریخ، روایت، ادبیات عرب، آشنائی با علوم عرب و علم رجال) صاحب نظر و صاحب تألیفات بود. مقام والای علمی محمد بن خالد برقی بر هیچ یک از دانشمندان علم رجال پوشیده نبود و آنان هر اه به نام این عالم برجسته شیعی می رسیدند از او به بزرگی نام برده، به تعریف از مقام علمی اش می پرداختند. وی را چنین معرفی می کند: «محمد بن خالد برقی فقیه، ادیب و آشنا به علوم عربی و اخبار بود و کتبی دارد...» (نجاشی، ۱۳۷۴: ۲۵۷) شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۲۲: ۱۷۵)، و ابن ندیم (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۲۷۶) نیز در فهرست شان به نوعی به معرفی شخصیت علمی و تألیفات محمد بن خالد پرداخته اند، دانشمند معاصر، سید حسن (متوفی ۱۳۵۴ هـ) صاحب تأسیس

الشیعه نیز، به معرفی شخصیت علمی او می پردازد و محمد بن خالد برقی را از پیشگامان شیعه در عرصه علم و رجال و روایت، تاریخ و سیره و... می شمارد همچنین در بخش مشاهیر شیعه در علوم قرآن و تفسیر تأویل نیز از او نام می برد (صدر، ۱۳۹۲: ۲۵۹، ۳۳۰)

محمد بن خالد به اعتراف بسیاری از شخصیت نگاران شیعی و غیر شیعه از جمله شخصیت های شیعی است که بر کرسی علم و دانش تکیه زد و در این راستا دارای درجات بالایی از علوم و معارف بود. برخی از علماء رجال محمد بن خالد را از یاران سه تن از امامان به شما آورده اند. با توجه به این نکته می توان گفت بزرگترین اساتیدش خاندان امامت بودند (خویی، بی تا: ۳۰۶/۵).

از میان علماء علم رجال که به ذکر نام اساتید و مشایخ محمد بن خالد پرداخته اند می توان به کشی، (کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۶) محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۰۸ و ۱۰۹) و خوئی (خویی، بی تا: ۱۶/ ۷۲، ۷۳) اشاره کرد. این بزرگان نام کسانی را که محمد بن خالد از آنها نقل روایت کرده، به عنوان استاد و مشیخه وی ذکر کرده اند. این مشایخ و اساتید عبارتند از: ابن ابی عمیر، ابی طالب قمی، احمد بن نصر جعفی، محمد بن سنان، علی بن مهزیار و... که هر یک در عصر خود از نامداران فقهاء و راویان برجسته به شما می آمدند. محمد بن خالد از محضر اساتید بزرگ دیگری نیز استفاده برد که آنها نیز به نوبه توفیق شاگردی در مکتب امامت را یافتند.

«کسی از سفر محمد بن خالد برقی (د. ۲۲۰هـ) به کوفه یا عراق سخن نگفته است... شاید کوفیانی که به قم سفر کرده و در آنجا مجلس حدیث داشته اند، این میراث را به او منتقل کرده اند. برای نمونه ابو سمینه که در کوفه به دروغ گویی مشهور شده بود، به قم مهاجرت کرد و مدتی نزد احمد بن محمد بن عیسی ماند... در این مدت، او افکار و آراء خود و نیز احادیثی را که در کوفه رایج بود بازگو کرده است. در این زمان برقی نیز به واسطه او اخبار و کتاب های محدثان کوفه از جمله محمد بن سنان را برگرفته است» (فرجامی، ۱۳۹۴: ۳۲۴-۳۲۳).

از دیگر راویان میانه محمد بن سنان و محمد بن برقی، حسن بن علی یقظین است که کسی از سفر وی به قم خبر نداده است؛ (نجاشی، ۱۳۷۴: ۴۵) اما ابن غضائری از حضور پسر وی، قاسم، در قم یاد می کند و می گوید قمی ها او را به ارتفاع در مذهبش متهم کرده بودند (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۸۶). احتمالاً همین قاسم کتاب ها و احادیث پدرش را به محمد برقی منتقل کرده است. عبدالرحمن بن ابی نجران یکی دیگر از واسطه های محمد بن سنان و محمد برقی است. نجاشی و طوسی با واسطه

محمد برقی به کتاب های وی طریق می دهند و او را از اهالی کوفه معرفی می کنند (نجاشی، ۱۳۷۴: ۲۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۹). تصریح کتاب های عبدالرحمن بن ابی نجران نشان می دهد، کتاب های خودش و افراد دیگر از جمله محمد بن سنان را به محمد برقی رسانده است.

نتیجه گیری

تاریخ حدیث امامیه نشان می دهد احادیث و جزوات حدیثی راویان نخستین که گاه از آن ها با عنوان «کتاب» و گاه «اصل» یا «نسخه» یاد شده است، پس از سده دوم با طبقه و افراد خاصی دست به دست و نقل شده است. محمد بن ابی عمیر (۲۱۷ق)، محمد بن سنان (۲۲۰ق)، حسن بن محبوب (۲۲۴ق)، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، بنو فضال، احمد بن محمد بن عیسی اشعری و خاندان برقی از این اساتید و مشایخ امامی هستند، که هر یک حلقه ها و راه های ارتباطی مهمی در انتقال حدیث راویان نخستین محسوب می شوند.

از میان محدثان امامی، محمد بن سنان، که راوی چندین کتاب زیدی است، نقش برجسته تری در انتقال احادیث زیدی به امامی دارد. با توجه به همه قرائن موافق و مخالف، می توان چنین نتیجه گرفت که ابن سنان در برهه ای از عمر خویش دچار غلو بوده است. او در کوفه اطراف غالیان دیده شده و اخباری در حمایت از آنها نقل کرده است، از سوی دیگر، محمد بن سنان با بزرگان پر روایت و معتبر امامی چون صفوان همنشین بوده و به میراث حدیث امامی دسترسی داشته است. به سبب این ویژگی ها، نقل راویان طبقه بعد از او زیاد است که در میان آن ها خصوصا راویان ضعیف و متهم به غلو فراوان دیده می شود. البته چنین به نظر می رسد که ابن برهه، فقط در دوره امام رضا (ع) بوده است و نه در زمان امام کاظم (ع) یا امام جواد (ع). ابن سنان همانند برخی دیگر از اصحاب مانند مفضل بن عمر و هشام بن حکم، از اصحاب روایات معارفی است، لکن نقطه ضعف او در نقل روایات معارفی بوده است. از این رو، فقط روایات معارفی او را دچار خدشه خواهد کرد و نه روایات فقهی را، و لذا شیخ طوسی روایاتی از او را که خلط یا غلوی، در بر داشته، در کتب حدیثی خود، ذکر نکرده است. با توجه به مطالب مذکور، اعتقاد به وثاقت وی قوی تر به نظر می آید؛ به خصوص که برخی از بزرگان نیز از او روایت نقل کرده اند. لذا دست کم، احادیثی از او که عاری از غلو است قابلیت پذیرش و اعتماد را خواهد داشت. روایات زیدی با نقل و واسطه گیری کسانی همانند محمد بن سنان به منابع روایی و مجالس حدیثی امامیه راه یافته است، سپس با انتقال حوزه روایات از کوفه به قم، این اخبار

توسط ابوسمینه و دیگر عرب‌های ساکن ایران رواج یافت. سرانجام با کتاب‌های برقی‌ها این روایات به گونه‌ای رایج و منتشر شد که دیگر آنها را بخشی از حدیث امامیه می‌شمردند. از اینرو، می‌توان گفت که محمد بن سنان جدای از توثیق یا تضعیف اش، حلقه مهم و اصلی انتقال احادیث قرن دوم هجری به قرن سوم هجری و راوی احادیث بزرگان زیدی به حدیثی امامیه بوده است و وضعیت رجالی قابل مناقشه‌ای دارد، زیرا او کتاب‌های بسیاری را در منابع رجالی و فهرستی امامیه روایت کرده که همان اسناد، داده‌های قابل توجهی ارائه می‌دهند، که با پی گرفتن آنها طبقه‌ی بعدی رجال، احادیث زیدیه را نقل کرده و گسترده‌اند.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۴)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین.
- _____، (۱۳۷۶)، *الامالی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، نشر کتابچی، چاپ ششم.
- ابن شاپور، حسین بن بسطام، (۱۳۹۱)، *طب الأئمه*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰)، *معالم العلماء*، نجف: المطبعة الحیدریه.
- ابن داود، حسن بن علی، (۱۳۹۹)، *رجال*، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، قم: منشورات الرضی.
- ابن غضائری، حسین بن عبیدالله، (۱۴۲۲)، *الرجال*، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۴۶)، *فهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: بانک بازرگانی ایران.
- اردبیلی، محمد بنعلی، (۱۳۸۶)، *جامع الرواه و ازاحه الاثتباهاات عن الطرق و الاسناد*، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (بی تا)، *المحاسن*، تحقیق: جلال الدین حسینی محدث ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بهبهانی، وحید، (۱۳۳۹)، *الفوائد الرجالیه*، قم: مکتب اهل بیت.

بیگی: محمد بن سنان و نقش او در انتقال حدیث زیدیه به امامیه / ۱۹

خاقانی، علی، (۱۹۱۲)، *الرجال خاقانی*، اصفهان: موسسه تحقیقات و نشر معارف الاسلامی. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*، کتابخانه الکترونیکی، دانشگاه قرآن و حدیث، بی تا.

سالم عزان، محمد بن یحیی، (بی تا)، *معجم الرواه فی کتاب الأذان بحی علی خیر العمل*، عمان: موسسه الامام زید بن علی.

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، *جوابات اهل الموصل*، قم: المؤتمر، چاپ اول.

صدر، سید حسن صدر، (۱۳۹۲)، *تأسیس الشیعه*، قم، ذوی القربی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۹۷۹/م ۱۳۹۹ق)، *اعلام الوری*، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۴)، *اختیار معرفه الرجال*، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البیت.

_____، (۱۴۱۵)، *الرجال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: موسسه النشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

_____، (۱۴۲۲)، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، چاپ دوم، قم: نشر الفقاهه.

فرجامی، اعظم، (۱۳۹۴)، *زیدیه و حدیث امامیه*، قم: دار الحدیث.

کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸)، *رجال الکشی*، بی جا.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، *الاصول فی الکافی*، ترجمه: سید جواد مصطفوی، قم: علمیه اسلامیة.

نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۷۴)، *رجال النجاشی*، تحقیق: شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

مقالات

ایزدی فرد، علی اکبر و حسینی نژاد، سید مجتبی، (۱۳۹۶)، *وثاقت محمد بن سنان در ترازوی نقد*

و بررسی، علوم حدیث، سال بیست و دوم، شماره ۲.

ستوده، حمید، (۱۳۹۰)، محمد بن سنان کاوشی در وثاقت و تضعیف، فقه اهل بیت، سال
هفدهم، شماره ۶۶-۶۷.

خادم پیر، علی، (۱۳۸۵)، بررسی توصیف رجالی محمد بن سنان، مجله حدیث و اندیشه، سال
یکم، شماره ۲.

Mohammad ibn Sinan and her Role in Transmitting the Hadith of Zaydiyya to the Imams

Giti Mohammad Beigi , Alireza Abtahi Foroshani , Mohammad Ali Chelongar

Abstract

In the subject of the history of hadith, the narrators of hadith have an important place. The first hadiths, which are referred to as "books", "originals" or "manuscripts", were transmitted by certain classes and individuals after the second century AH. One of the most important narrators and narrators of the Imam, who was the link between the sources and hadiths of the second and third centuries, is Muhammad ibn Sinan (d. 220 AH). What is the position of Muhammad ibn Sinan among the Imami narrators in terms of credibility or weakness? What was his role in transmitting Zaidi narrations to the Imams? To what extent do the narrations mentioned by him influence the Imams? The subject of this article is to try to study the historical method and descriptive-analytical method based on available sources. Despite the fact that Muhammad ibn Sinan has been considered an outcast due to his association with people such as Mufaddal ibn Umar and the narration of his narrations, and his weakening among the narrators and the rejection of his narrations, the books and narrations narrated by him became popular. The famous Zaidi, Abu al-Jarud (d. 150 AH) and Talha ibn Zayd (d. 150 AH) are reported. It seems that Muhammad ibn Sinan played an important role in transmitting Zaidi hadiths to Imami.

Keywords: Mohammad Ibn Sinan, Imami narrators, Zaidi sheikhs, Zaidi.